

# مجله موسیقی

شماره دهم

دی ماه ۱۳۱۹

سال دوم



مجله موسیقی برای استفاده خوانندگان و کسانی که بتاریخ موسیقی در مشرق علاقه دارند اینک بخشی منتخب از کتاب «خلاصه مجمع الادوار» تألیف جناب آقای مهدیقلی هدایت چاپ مینماید، این کتاب خطی حاوی مطالب سودمند موسیقی و ادبی میباشد. زحمات مؤلف در تألیف کتاب نامبرده از طرف کارشناسان موسیقی مورد تقدیر خواهد بود.

## از کتاب خلاصه مجمع الادوار

تألیف جناب آقای مهدیقلی هدایت

اگر موسی نیم موسیچه هستم،

درون سینه موسیقار دارم.

بوعلی که در هر مورد هذا المرء این العلم میسرود چون بمبحث موسیقی

رسید گفت: هذا العلم این المرء.

در آمد

موسیقی علم تألیف نغماتست بتلفیقات مطبوعه مؤثره در گوش بتناسب ابعاد

در فکر بلطف ترجیعات درروح.

کنفوتسه<sup>۱</sup> قانون گذار چین ( مائه ۱۲ قبل از هجرت ) گوید مقام تربیت هر قوم را از تالیفات موسیقائی آن قوم توان دانست .  
آن نشاط و انبساط حرکت و سکون غم و اندوه که بتلفیق نغمات در نفس انسان ایجاد توان کرد بوسایل دیگر باین اندازه میسر نیست .  
شخص را آنگاه کوك گویند که احوال روحیه او ساز باشد کوئی شخص نا کوك او تار روحیه اش از هم کسیخته و بیرون از تناسب است .



### پایه اول - شمه تاریخی

موسیقی معرب لفظ یونانی موزیکه<sup>۲</sup> است و موز اسم نه دختر ژوپیتر<sup>۳</sup> که مربی فنون مستظرفه بوده اند .

بدواً صنایع مستظرفه را موزیکه گفتند و آخر بفن سرودش اختصاص دادند .  
موسیقی همه وقت فنی مطبوع بوده است و تتبع آنرا بحکما نسبت داده اند . نه داود را باواز ستوده اند ؛ و مزامیربابی از توریت است .

باغ مزین چو بارگاه سلیمان ، مرغ سخن بر کشیده نغمه داود .  
هندیان اختراع وینا<sup>۴</sup> ساز ملی خود را بیسر برهما نارد نسبت داده اند .  
فیثاغورس<sup>۵</sup> نغمات هفتگانه را مقببس از الحان افلاک میدانست و فلک ثوابت را تکرار نغمه اولی میشمرد ؛ توافق نغمات لاهوتی و ناسوتی را هارمونی نامید .  
ظہیر فاریابی گوید :

زبس ترنم ، الحان مطربان دروی ، همیشه مغز فلک پر نوای موسیقار .  
در زمان ساسانیان موسیقی در ایران رونق کامل داشته است ، اسامی رامشگران آن زمان در حکایات باقی است : باربد ، نکیسا ، سرکش ، رامتین ، بامشاد و سرکب معروفند .

Vînâ (۴) Jupiter (۳) Muse - Musica (۲) Confucius (۱)

Pythagore (۵)

سرکش را احتمال داده اند سارگیوس و یونانی بوده باشد. *تاریخ موسیقی ایران*  
غزل خوانی رستم و اسفندیار را فردوسی در طی هفتخوان این و آن بسته است  
و در عزیمت کاوس بmazندران گوید:

ببریط چوبایست بر ساخت رود، بر آورد mazندرانی سرود؛  
که mazندران شهر ما یاد باد، همیشه برو بومش آباد باد.  
افلاطون موسیقی مصریان راستوده است و از خصوصیات مؤبدان شمرده گوید  
از اختیارات ایشان کسی تجاوز نمیکرده است و این عادت همچنان تا چندی پیش  
باقی بود.

مرحوم میرزا عبدالله اگر لحنی تازه میساخته میگفته است: «این را سیدحسن

نگفته است».

رسائل پرداخته و اسالیب ساخته از یونانیان باقی است، ایشان از خرمن  
مصریان و ملل همجوار آسیائی توشه برداشته، ریشه موسیقی را بآب طرب پرورده اند  
و از شاخسار آن ازهار نشاط برآورده.

از مصریان علمیات فن را و از فریژیان<sup>۱</sup> عملیات را آموخته اند، شیوه دری<sup>۲</sup>  
بومی را بدان اندوخته ها رنگ معاشقه و ارجوزه و شکوی داده اند.

از آریسطکسن<sup>۳</sup> رسائل در دست است و اساس تالیفات در آن ذوالاربعات.

در میان چینیان و هندیان آثار مکتوب با امتنان موجود است.

عرب علم موسیقی و تناسب را از یونانیان اقتباس کردند و عملاً از ایرانیان

استفاده نمودند.

بعضی خلفای بنی امیه و عباسی به موسیقی عنایتی داشتند، در حق ابراهیم پسر  
مهدی عباسی گفتند: نحن بامام فعال احوج منابه بامام قوال. و این انجارواست که از  
موسیقی برجستن و پا کوفتن و چرخ زدن بخواهند نه آرامش روح.

ابراهیم موصلی معروف بنادیم و پسرش اسحق از اساتید فن بوده اند.

از مامون نقل کنند که گفت اسحق را منصب قضا میدادم اگر بدان فن معروف نبود وی در ادب و فقاہت همچنان ماهر و قادر بوده است .

خلیل پسر ابراهیم از طریق ایقاع راه عروض بر کشود ( اواخر مائۀ دوم ) یعقوب پسر اسحق کندی در تالیفات خود ذکر « ماخور » کرده است که شاید اصل « ماهر » است .

اختراع عود را بزمان شاهپور ذوالاکتاف نسبت میدهند .

اختراع شهرود را بابن احوص زلز که دستان زلز نیز بدو منسوبست .

ابونصر فارابی در این فن استاد بوده است مقالات از اوست ؛ اختراع قانون را هم از او می دانند در سنه ۳۳ جهانرا بدرود کرده است .

بوعلی سینا بواسطه نقص در این فن معلمی نیافت و رئیسش گفتند فوتش در سنه ۴۲۷ بوده است .

از رسائل معروف در موسیقی ادوار صفی الدین عبدالؤمن فاخر ارمویست که باشاره خواجه نصیر الدین طوسی نگاشته رسالۀ شرفیه نیز از اوست باصاحب دیوان جوینی انسی داشته .

شمس الدین سهروردی و حسام الدین قنلق بوغا از شاگردان ویند .

قطب الدین محمود شیرازی در درة التاج بابی در موسیقی دارد .

در ظرافت طبع او نوشته اند که وقتی حاضر بوده است و گل بروی صورت

شاگرد بنائی خوب روی ریخته گفته است : یالیتنی کنت تراباً . فوتش در سنه ۷۱۵ بوده است .

خواجه عبدالقادر بن موسی مراغه حافظ قرآن رسائل عدیده در موسیقی

دارد : جامع الالحان ، مقاصد الالحان ، کنز الالحان و ادوار را نیز شرح کرده است معاصر تیمور و بایزید بوده .

در مقاصد گوید در تاریخ ۲۹ شهر شعبان ۷۷۸ در تبریز در مجلس سلطان

جلال الدین حسین بن سلطان اویس جمعی از اساتید حاضر بودند ، من جمله فضل الله

عبیدی و سعد الدین کوچک و عمر تاج خراسانی که بر ادوار شرح دارد و رضی الدین رضوانشاه و عمر شاه از مصنفان و استاد برکه او بهی و نورشاه از خوانندگان و استاد شمس الدین بدرنائی و حاجی سیکلای عودی از مباشران ذوی الاوتار و شمس الدین حربوئی نائی و اوستاد علی شاه ربابی و تاج الدین مرندی از مباشرین ذوات النفخ بحث علمی و عملی در میان آمد گفتند: اشکل اصناف موسیقی در عملیات نوبت<sup>۱</sup> مرتب است و تالیف یکنوبت در یکماه نتوان کرد. این فقیر گفتم اگر مصنف قادر و ماهر باشد هر روز نوبتی تالیف تواند کرد باتفاق استبعاد نمودند گفتیم انشاء الله در این ماه رمضان سی نوبت مرتب تصنیف کنم و هر روز یک نوبت بعرض رسانم گفتند مقدر نیست. رضوان شاه گفت شاید قبل از وقت مرتب کرده باشد گفتم هر روز اشعار نوبت و ادوار ایقاعی و نغم را شما اختیار کنید و بهر قید که خواهید مقید سازید. سلطان جلال الدین فرمود اشعار نوبت هر روز امیر ذکریا و جلال الدین فضل الله عبیدی و جلال الدین سلمان ساوجی تعیین کنند و صنایع الحان را مصنفان خصوص رضوان شاه چنان کردند و مقرر شد نوبت اول را در حین بسازم شامل پنج قطعه چنانکه در قطعه پنجم که مستزاد است دوازده مقام و شش آواز را لازم دارم و میان هر دو پرده يك آواز باشد در دایره ثقیل رمل.

چون روز عرقه نوبت سی ام را برگزیدم و بدست و نوبت دیگر را تکرار کردم خواجه رضوان شاه که صد هزار دینار گرو بسته بود آن مبلغ را بدختر خود داده و عقد نکاحش بسته بخانه فقیر فرستاد.

گوید آن سی نوبت را بقاعده عمل در کنزالالحان ثبت کرده ام.

سالها در تجسس بر آدمم و متاسفانه کتاب کنزالالحان بدست نیامد، در مقاصد نوبت اول را یاد میکند لکن از آنگونه نیست که امروز آنرا بعمل توان آورد؛ بر اسلوب معهود آن زمانست.

در دوره صفویه موسیقی را منزلمتی نماند، آن جنس را پروراندند که مطبوع

(۱) نوبت تالیفی بوده است شامل چهار جزء: قول، غزل، ترانه فرو داشت.

نا جنسان بود و اهل مباشرت تعقیب می شدند .  
سلطان ابراهیم میرزا برادر زاده شاه اسمعیل قاسم قانونی هروی را که بمشهد  
دعوت کرده بود از بیم شاه تهناسب در سردابه نهان میداشت تا در قفای معلم سلطان  
حیدر میرزا بر سردار نرود .

از تسمیه کتاب خود به العود و الملاهی پیداست که ابوالطالب لغوی از  
موسیقی چه تصور داشته محمد کاخکی هم خود را در شعر ملحد میخواند .  
در یورش هفت ساله چون امیر تیمور بخار و ایوانک رسید خبط دماغ میرانشاه  
بتحقیق پیوست زهره ازند ما و ساز زنان میرانشاه را بدار زدند من جمله قطب الدین  
نائی و حبیب عودی و عبدالمومن گوینده که هر يك در علم ادوار یگانه روزگار بودند .  
محمد کاخکی روی با استاد قطب الدین کرده گفت استادی همواره پیشقدم بوده اند

چون نوبت بخودش رسید این دو بیت را بگفت :

پایان کار و آخر عمر است ملحد ،      گر بایدت و گرنه بدست اختیار نیست ؛

منصور وار گریب نددت بیای دار ،      مردانه پای دار جهان پایدار ، نیست .

پریخان بزمان کریم خان ، چالانچی خان بزمان فتحعلیشاه ، اوستاد زهره و  
اوستاد مینا بزمان محمد شاه ، آقای علی اکبر و آقا مطلب و محمد صادق خان پسرش بزمان  
ناصر الدین شاه شهرت داشته اند . و احیاناً تصنیفی میساخته اند . پس از ایشان پسران آقا  
علی اکبر میرزا حسن و میرزا عبدالله و آقا حسینقلی در مباشرت با اوستادی موصوفند  
و جز ایشان اساتید دیگر معروف .

اینک که سنه ۱۳۴۰ هجری قمریست هیچیک از آن اساتید حیات ندارند .  
دکتر مهدی خان صلحی منتظم الحکما بهترین را وی است ، ضبط و حافظه  
اش راستی محل تعجب است ؛ ستار راهیج نوازنده مثل او نمینوازد ؛ بر نبض تن و روح  
هر دو تسلط دارد .

اخیراً آنچه از آواز و تصانیف و نغمات در دست بوده از اساتید بتقریبی در  
هفت دستگاه جمع کرده اساس موسیقی قرار دادند . آن هفت دستگاه را بر وایت صلحی من

بحروف نقطه (نوت) نوشته‌ام و امروز سند مآثورات قد ماست، بسیار از امیر زادگان و خوانین امروز بسازی دمسازی دارند یا آنکه باسازی بازی میکنند؛ مایه و پایه علمی سابقین از دست رفته است و هنوز پایه و مایه بجای آن گذارده نشده است.



### پایه دوم - در تأثیر موسیقی

ضرب از نشاط و آواز از تائرات روحانی پیدا شده است. انسان بلکه حیوانات در تائر فریاد می‌کنند. آواز پیر از تائراتست، ساز باز گوی آن، هر احنی حالی را بخاطر می‌آورد و آن حالت که سبب انتعاش یا اشمئزاز میشود. حکایت فارابی در مجلس سیف الدوله از امرای آل همدان معروفست که در محفل وی حضار را بخنده و کریه در آورد و خواب کرد و برفت. سقراط بتائیر ساز چندان معتقد شد که در اواخر عمر بتحصیل موسیقی پرداخت.

ائر ساز رودکی در نصیر بن احمد سامانی بود که از هرات پس از توقف بسیار شبانه آهنگ بخارا کرد و آن چنان بود که امرا از توقف در هرات بیزار شده بودند برودکی توسل جستند تغزلی ساخت و با لحنی مناسب سرود این دو بیت از آن تغزلیست:

باد جوی مولیان آید همی، یاد یار مهربان آید همی،

ای بخارا شادباش و شادزی، شاه سویت میهمان آید همی.

یونانیان در شان اورفه<sup>۱</sup> و آمفیون<sup>۲</sup> حکایتها دارند، گویند در بنای شهر تب<sup>۳</sup>

سنگها باهنگ آمفیون از جای خود کسسته بمحل بنا می پیوستند.

سعدی در حکایت هشت زن یکی از اسباب تحصیل معیشت را آواز خوش

مینگارد که بجنجره داودی آب از جریان و مرغ از طیران باز دارد.

در مقام عرفان گوید:

نه مطرب که آواز سم ستور، سماعست اگر فوق داری و شور.

و باز گوید:

اشتر بشعر عرب در حالتست و طرب، تو خود چه آدمیئی کر عشق بیخبری؟

در فضیلت آواز گوید:

به از روی خوبست آواز خوش، که آن حظ نفس است و این قوت روح.

در اثر نغمات در حیوانات منوچه‌ری گوید:

ز صحرا سیلها برخاست هر سو، دراز آهنگ و بیچان وزمین کن؛

چو هنگام عزائم زی معزم، بک خیزند ثعبانان ریمن.

و باشد که نغماتی تنفر آورد: ان انکر الاصوات لصوت الحمیر.

سعدی گوید:

کاش بلبل خموش بنشستی، تاخر آواز خود تمام کند.

و باز گوید:

بتیشه کس نخر اشک ز روی خار اگل، و مطا چنانکه بانگ درشت تو میخراشد دل.

و هم او راست: *رسال جامع علوم انسانی*

ز بقم در گوش کن تا نشنوم، یا درم بکشای تا بیرون روم.

سرود کار گران و کشتی بانان یا حدی کاروانان رفع خستگی کند.

آواز کشتی بانان نیل از الحان دوره فراعنه مایه دارد.

اثر مارشها در نظامیان هم مشوق حرکت است هم محرك احساسات.

از زمزمه مادر کنار گاهواره فرزند تا از جوزه مبارزان در میدان جنگ موسیقی

مؤثر است.

ناله اسیر غضب امیر را فرو می‌شاند.



تأثیر موسیقی در بعضی امراض مسلم است و دیده شده است که اشخاص بی بهره از طبع موسیقائی در مرض حساس شده اند.



### پایه سوم در غنا

انکار ملایم و متنافر خلاف عقل است و عقل میزان تمیز حسن و قبح . نقاشی جز تناسب در اشکال و الوان نیست، شاعری رعایت تناسب است در الفاظ و معانی موسیقی تناسب در حرکات و نعمات منکر تناسب منکر دقایق خلقتست . اینک غنا مطلقاً حرام باشد محل بحث است و محتاج به تحقیق، هر تریاقی در غیر محل و بیرون از اندازه سم است .  
الشعراء يتبعهم الغاوان آیه قرآنیست و اصدق کلمة قالها الشاعر فرمایش پیغمبر و اشاره بدین بیت لبیداست :

الاكل شئ ما خلا الله باطل، و كل نعیم لامحالة زائل.

پس فرق است بین شعرا و اشعار ایشان .

شعرائی که به کلمات رنگین و عبارات نمکین بمناهی و ملامهی اغوای خلق و الغای خلق کنند اهل جهنمند .

شعرائی که بمواعظ حسنه خلق را بتهدیب اخلاق جلب کنند سزاوار صلۀ پیغمبر همچنین است کیفیات موسیقی فرق است بین رنگ شیطان<sup>۱</sup> که دعوت بشهوات

(۱) اسحق موصلی در لجنی در مانده بود در خواب از شیطان پیاموخت .

گویند آقا علی اکبر شیطان را بخواب دید مورد عتاب شد که رنگ مرا چرا نمیزنی و آن رنگرا بدو تعلیم داد و بروایت میرزا عبدالله آن قسمت مغلوب از شهر آشوب چهار گاه است که بی مضراب زده میشود جاداشت آقا علی اکبر بشیطان بگوید : کدام رنگست که متعلق بآنجناب نیست ؟

طارتینی Tartini از سازندگان ایتالیائی قطعه در موسیقی دارد موسوم به کادانس دو دیابل ( Trille du diable یا Cadence ) پیداست که شیطان بسی در جلد اساتید رفته است !

کند و آواز مسیح که روح را قوت دهد و نفس را تسکین .

در ضرورت تحصیل موسیقی:

بوعلی گوید: النبض حرکه موسیقائی کوئیم؛ برای اینمقدار علم بر ایقاع کافی

است و لحن را در آن مدخلیت نیست زینوا القرآن باصواتکم اقویست .

گر تو قرآن بدین نمط خوانی، ببری رونق مسلمانی .



### پایه چهارم در موضوع موسیقی

شیخ الرئیس گوید موسیقی علمی است ریاضی که در آن بحث میشود از احوال

نغمات من حیث الملايمة والتنافر و احوال الازمنه بین النغمات تامعلوم شود که تالیف

لحن چگونه باید کرد .

امروز تحقیق احوال نغمات باختلاف نظر بفنون متشتمه محولست .

تحقیق کیفیت حدوث نغمه و مقادیر آن در آکوستیک<sup>۱</sup> می شود که مبحثی

از فیزیک است ( مبحث تنغم )

احساس نغمات از موضوعات فیزیولوژی<sup>۲</sup> است ( علم حیات )

کیفیت انتعاش نفس از موضوعات پسیکولوژی<sup>۳</sup> است ( علم روح و نفس )

از حسن ترکیب و تالیف در استتیک<sup>۴</sup> بحث میشود ( علم زیبایی )

از برای اینکه موسیقی بالاطراف شناخته شود بعلوم طبیعی و ریاضی و اخلاق

و مستظرفه حاجت افتد .

مسئله دیگر - ر ضرورت وجود نغماتست و تحقیق آن راجع بکلیات حکمت

نظریست .

۱ - Acoustique ۲ - Physiologie ۳ - Psychologie

۴ - Esthétique